

## سندی از گروه سوسیال - دمکرات تبریز در دوره انقلاب مشروطه

در سال ۱۹۰۸

- (۱) صورت جلسه شماره ۱ مورخه ۱۶ اکتبر سال ۱۹۰۸ جلسه سی نفری سوسیال دمکراتهای تبریز که مسئله تشکیل گروه سوسیال دمکرات تبریز را مورد بحث قرار داده بود؛ (۷)
- (۲) نامه مورخه ۱۹ نوامبر سال ۱۹۰۸ واسوبه پلخائف از تبریز؛
- (۳) نامه ای به ژوبه فعالین جنبش سوسیال دمکراسی اروپا مورخه ۳ دسامبر سال ۱۹۰۸ که از طرف بخشی از گروه سوسیال دمکراتهای تبریز با مضای تیگران در وین رسید است؛ (۹)
- (۴) نامه چیلینگریان از تبریز به پلخائف بتاریخ ۱۰ دسامبر سال ۱۹۰۸ (۱۰) -  
ازسند اول چنین برمیآید که در جلسه ای که بصدرت سدرک اول (واسودبیرسازمان بسود) تشکیل شده بود دو پیشنهاد مورد بحث قرار گرفته است: یکی پیشنهاد آرشاویرو واسوبرای تشکیل گروه مستقل سوسیال دمکرات و دیگری پیشنهاد مخالف از طرف ورام و سدرک دوم درباره آنکه فعالیت صرفاً سوسیال دمکراتیک مصلحت نیست.

پیشنهاد دهندگان تشکیل گروه سوسیال دمکرات چنین استدلال میکردند که ایران اکنون در یگروارد مرحله رشد سرمایه داری شده است و دارای تولید مانوفاکتوری سرمایه داری است، صنعت ماشینی و تولید کارخانه ای از قبیل کارخانه دخانیات و کاغذ گیلز، آسیاب بخار، مؤسسات پنبه پاک کنی و غیره بوجود آمده است. در صورت جلسه قید شده است که وجود پرلتاریاد رکنارپیشه و ران شرایط را برای تبلیغات سوسیالیستی آماده میکند. طرفداران این پیشنهاد تاکید میکردند که اگر در میان پرلتاریا کاری انجام نگیرد این خطر موجود است که بورژوازی برای تحکیم مواضع خود از آن استفا ده کند. آنها میگفتند که مبارزه آغاز گردیده است و

\* چنانکه در دوران انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و انقلابهای ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ دید ه شده بود، در ایران نیز اکنون مردم بمبارزه فعال دست زده اند و در درجه اول عناصری که فاقد مالکیت خصوصی هستند در این مبارزه شرکت دارند.

هر قدر عناصر فعال منافع طبقاتی خود را زود تر درک کنند، بهمان قدر نیز انقلاب به هدف خود تر خواهد رسید. سوسیال دمکراتها باید پرلتاریا را سازمان داد و آنها را با خود آگاهی طبقاتی برای مبارزه سوسیالیستی مجهز سازند. این وظیفه هر سوسیالیست مبارز است که با هر جنبش انقلابی همکاری کند. سوسیالیستها باید بمشابه پیگیرترین دمکراتها در زمان انقلاب با بورژوازی همکاری نمایند، ولی در نظر داشته باشند که وظیفه اصلی آنها دفاع از منافع مردم انقلابی، بخصوص منافع قشرهای تهیدست آن بمنظور ترقی اجتماعی و اقتصادی است که خود دفاع از دمکراسی میباشد. در صورت جلسه به ضرورت مبارزه یاد ستیزد کم که مانع تولید صنعتی در کشور بود اشاره شده است. پشتیبانی صرف از شعارهای بورژوازی در حقیقت بمعنای دفاع از این طبقه و جلوگیری از رشد انقلاب است. سوسیالیستها نمیتوانند با نمایندگان دمکراتهای بورژوازی بهم پیوندند، زیرا:

- الف - سوسیالیست و دمکرات عادی دو جهان بینی مختلف دارند؛
- ب - فرق دمکراتیسم یکفر د سوسیالیست با دمکراتیسم یک دمکرات عادی در پیگیری آنست؛
- ج - سوسیالیست میتواند با موفقیت بیشتری در انقلاب بورژوازی شرکت نماید، اگر بر نظرگاه طبقاتی پرلتاریا تکیه داشته باشد.

بر پایه تمام اینها پیشنهاد میشد که:

\* یک گروه خالص سوسیال دمکرات تشکیل گردد و فعالترین و آگاهترین کارگران و روشنفکران ایران را برای مبارزه از طریق تبلیغات و سازماندهی توده کارگر بطرف خود جلب نماید.

دارندگان پیشنهاد دوم، یعنی مخالفین فعالیت صرفاً سوسیال دمکراتیک استدلال میکردند که هنوز شرایط عینی و ذهنی برای شکل و اتحاد پرلتاریا بوجود نیامده است. آنها میگفتند که ایران هنوز در مرحله تولید مانوفاکتوری است و تازه در راه تولید ماشینی سرمایه داری قدم میگذارد، پرلتاریای معاصر بوجود نیامده است و بهمین جهت زمینه ای برای فعالیت سوسیال دمکراسی وجود ندارد. بنظر ورام و سدرک دوم گویا سازمان دادن به پرلتاریا ممکن بود برای انقلاب و رشد اقتصادی کشور عواقب زیان بخش داشته باشد. این عمل ممکن است عناصر رادیکال بورژوازی را به آغوش ارتجاع بیفکند. در حالیکه لازمه انقلاب بورژوازی ایران که در شرایط ویژه پدید آمده فعالیت جمعی تمام عناصر ناراضی و

معتراض است. بدینجهت دارندگان پیشنهاد دوم عقیده داشتند که فعلا امتناع از

"فعالیت صرفا سوسیال دمکراتیک و ورود به صفوف دمکراتها و پاک کردن آن از  
تعمیلات ارتجاعی، کمک به متشکل شدن آنها از طریق فعالیت در صفوف آنها بعنوان  
رادیکال ترین عناصری"

که در صورت فرارسیدن شرایط، آماده فعالیت بر اساس اصول سوسیالیستی باشند، کاری است عاقلانه  
و از لحاظ سیاسی در براندیشانه آنها متذکر میشدند که اتخاذ این تصمیم مانع آن نمیشود که هر فرد در  
جهان بیثنی و اصول سوسیال دمکراتیک خود پابرجا باشد. در پیشنهاد گفته میشد که این مسئله، مسئله  
"مصلحت اندیشی سیاسی و بصارت تاکتیکی است" نه مسئله اصولی.

پس از بحث طولانی هردو پیشنهاد را به رومی گذاشتند. پیشنهاد اول در باره تشکیل گروه  
سوسیال دمکرات مستقل با اکثریت آرا (۲۸ رومی موافق در برابر ۲ رومی مخالف) تصویب گردید.  
واسو در نامه مورخه ۱۹ اکتبر سال ۱۹۰۸ خود به پلخانیف که صورت جلسه ۱۶ اکتبر نیز به آن  
ضمیمه شده بود در باره فعالیت گروه سوسیال دمکراتهای تبریز اطلاع داد و خواهش میکند که  
پلخانیف نظر خود را راجع به موضوعی که در جلسه تبریز در ۱۶ اکتبر ۱۹۰۸ مورد بحث قرار گرفته بود به  
او بنویسد. واسو تردید خود را در صحت نظریه کائوتسکی (در نامه او به گروه سوسیال دمکراتهای تبریز)  
که علیه فعالیت سوسیال دمکراتها در ایران بود و اینکه سوسیالیستها گویا بعزت آنکه رشد اقتصادی  
کشور هنوز به پیدایش پرلتاریای صنعتی معاصر نیا نجامیده است باید فقط در مبارزه دمکراتیک عام شرکت  
جویند، بیان میدارد. واسو این موضوع را که در ایران حقیقتا پرلتاریای صنعتی و صنعت ماشینی معاصر  
وجود ندارد رد نمیکند. او مینویسد:

"ولی در ایران پرلتاریا وجود دارد، یعنی مردمی که فاقد ابزار کار میباشند و نیروی  
کار و مهارت خود را به کارفرمایان میفروشند. حال که چنین است، آیا سوسیال  
دمکراتها حق دارند از متشکل کردن کارگران و از مبارزه در راه افزایش دستمزدها  
امتناع ورزند؟" (۱۱)

سپس در نامه این مسئله پیش کشیده میشود که آیا عاقلانه است که سوسیال دمکراتها برای  
آزادی تجارت، یعنی علیه سیستم حمایت گمرکی از صنایع ملی مبارزه نمایند. واسو عقیده داشت که در  
شرایط فقدان صنایع ماشینی معاصر رکشور چنین تبلیغاتی میتواند به بورژوازی ملی زیان وارد آورد و  
همچنین بضرر پیدایش پرلتاریای صنعتی تمام گردد. نویسنده نامه همچنین این موضوع را مطرح  
میکند که آیا سوسیال دمکراتها باید در مبارزه علیه سرمایه خارجی شرکت جویند و اینکه چه وقت این مبارزه  
ارتجاعی است و چه وقت نیست؟ وی در ضمنی که ما مهربت خود را برای تشکیل سازمان "پلیس خلقی"  
در تبریز اطلاع میدهد، میپرسد: آیا لازم است که سوسیال دمکراتها در ایران چنین سازمانی را بوجود  
آورند (او خود تا "سپس سازمان "پلیس خلقی" را اصلاح نمیدید).

در نامه اطلاعاتی چند در باره فعالیت سوسیال دمکراتهای تبریز آورده شده است. واسو  
مینویسد که سوسیال دمکراتها در میان کارگران سه محفل سازمان داده اند که تعداد اعضا هرکدام ۱۰ نفر است.  
سوسیال دمکراتها در میان پیشه وران نیز دست به تبلیغات زده اند. برای آماده کردن  
مبلغین و سازمان دهندگان محفلی ایجاد شد عبارت از نمایندگان جوانان روشنفکر مسلمان. در نامه  
گفته شده است که در نظر دارند در کنار تبلیغات سیاسی، "سازمانهای اقتصادی یعنی اتحادیه های  
کارگری نیز ایجاد کنند". موف مینویسد که سوسیال دمکراتهای تبریز از نفوذ عظیمی برخوردارند.

طبق گفته او، مردم در همه مورد با آنها مراجعه میکنند. در تبریز تا آن موقع احزاب دیگری وجود نداشت. و اسواطلاع میدهد که ۲۸ اکتبر سال ۱۹۰۸ در تبریز سه کارخانه چرمسازی که عده کارگران نشان ۱۵۰ نفر بودند دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب تحت رهبری سوسیال دمکراتها انجام گرفت. اعتصاب کنندگان ضمن چند خواست اقتصادی، یک شاهی و نیم اضافه دستمزد برای هر قطعه پوست مطرح میکردند. علاوه بر این آنها میطلبیدند که پذیرفتن و اخراج کارگران و شاگردان باید با موافقت نمایندگان کارگران انجام گیرد، شرایط بهبود داشت کار بهبود یافته، نصف حقوق کارگران در موقع بیماری به آنها پرداخت شود، از وقت اضافه کار کاسته، و لی مزد اضافه کار دو برابر گردد، دستمزد روزهای اعتصاب به کارگران پرداخت شود. شرکت کنندگان در اعتصاب اخراج نشوند و در موقع اعتصاب جای آنها باید یکران محول نگردد.

در تمام مدتی که اعتصاب ادامه داشت کارگران وحدت عمل فوق العاده ای از خود نشان میدادند. کارگران صندوق اعتصاب بازکردند و کمیسیونی برای گفتگو با کارفرمایان انتخاب نمودند. روز ۳۱ اکتبر اعتصاب با پیروزی کارگران پایان یافت. آنها موفق به دریافت اضافه حقوق شدند و کارفرما موظف گردید شرکت کنندگان در اعتصاب را از کار اخراج نکند. در پایان نامه کمپوهای کادریهای سوسیال دمکرات تبریز، که از لحاظ سیاسی تعلیم دیدند ذکر میشود. مؤلف مینویسد:

"کارمندی که میتواند از اصول سوسیال دمکراتیک دفاع کند از شرکت کنندگان از خارج ۳ نفر و از محلیها ۲ نفر بودند."

در نامه ای خطاب به فعالین جنبش سوسیال دمکراسی اروپا نیز مانند د و سند اولی، مسئله وجود و جریان در کار سوسیال دمکراتهای ایران بمیان آورده شده است. در وی مینویسد:

"تعداد سوسیالیستهای ایران بسیار کم است و آنها بطور کلی در تبریز متمرکز شده اند. اینها روشنفکرانی هستند که در روسیه تحصیل کرده و تحت تأثیر سوسیالیسم بین المللی و انقلاب روسیه از ایده های بهرروازی دور شده اند. سوسیال دمکراتهای ایران تاکنون کار خود را به خود آموزی و تبلیغات در میان روشنفکران (بخصوص روشنفکران ارمنه) محدود کرده بودند."

چپلینگریان نیز در نامه خود به پلخانف مینویسد که سوسیال دمکراتهای تبریز تا آغاز قیام تبریز "گروه کوچکی از روشنفکران بودند که تبلیغ ایدئولوژی مارکسیستی را وظیفه خود میشمردند". او نیز در کار سوسیال دمکراتهای ایران بوجود دو جریان معتقد است.

البته اسناد بیگانی پلخانف تصور کاملی از فعالیت سوسیال دمکراتهای تبریز نمیدهد. ولی بر اساس آنها چند نتیجه گیری مقدماتی ممکن است. این اسناد گواهی میدهد که جنبش سوسیال دمکراسی تبریز در سال ۱۹۰۸ در آغاز مرحله رشد خود بود. گروه سوسیال دمکراتهای تبریز عده معدودی بیشتر نبودند. در این اسناد به وجود هیچگونه مرکز رهبری کنند سوسیال دمکراتها در سراسر ایران اشاره نشده است. در این اسناد همچنین صحبتی از وجود برنامه و اساسنامه حزب که توسط سوسیال دمکراتها تنظیم شده باشد در میان نیست. چنانکه میدانیم امروزه در سالهای ۱۹۱۰-۱۹۰۹ در رشت به مبارزه فعال انقلابی مشغول بود. در این دوران در رشت فقط گروه سوسیال دمکرات محلی وجود داشته. در باره روابط این گروه با هرگونه سازمان سوسیال دمکراتیک در ایران در این مسأله سند موثقی در دست نیست.

از نامه هاشیکه مورد بررسی مقرر گرفته است ، همچنانکه خود مؤلفین آنها اشاره کرده اند ، معلوم میشود که سوسپال دمکراتهای تبریز دارای سطح عالی معلومات تئوریک نبوده اند . در عین حال میتوان باین نتیجه رسید که سوسپال دمکراتهای تبریز فعالترین و مبارزترین هسته رهبری قیام ۱۹۰۸ تبریز بوده در میان قیام کنندگان تبریز نفوذ و اعتبار بسیاری داشته اند .

ترجمه از: توفیق

- 
- (۱) احمد کسروی ، تاریخ مشروطه ایران - تهران ۱۳۱۹ ، علی آذری ، قیام کلنل محمد تقی خان پسیان - تهران ۱۳۲۹ ، کریم طاهرزاده بهزاد ، قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران - تهران ۱۳۳۴ .
  - (۲) م . پویلو بیچ ، م . ایرانسکی . ایران در مبارزه بخاطر استقلال ، مسکو سال ۱۹۲۵ صفحات ۱۰۳ - ۱۱۶ .
  - (۳) لنین ، مجموعه آثار ، جلد ۱۷ صفحه ۴۳۴
  - (۴) ایوانف . انقلاب ایران در سالهای ۱۹۰۵ - ۱۹۱۱ ، مسکو ، سال ۱۹۵۷ ، صفحات ۱۳۸ - ۱۴۵ .
  - (۵) " آثار لنین " ، جلد ۱۳ ، سال ۱۹۳۰ ، صفحه ۱۷۹
  - (۶) لنین ، مجموعه آثار ، جلد ۳۴ ، صفحه ۳۷۹
  - (۷) بایگانی پلخانف ، شماره ۴۸۷۵
  - (۸) همانجا ، شماره ۱۶۶۹
  - (۹) همانجا ، شماره ۳۸۶۵
  - (۱۰) همانجا ، شماره ۹۳۹
  - (۱۱) واسودرنامه خود در باره سطح پائین دستمزد کارگران در ایران چنین مینویسد : کارگران عادی در آن موقع روزانه یک قران و سوهانکار در حدود ۲ قران دستمزد داشته اند .

برگرفته از: مجله دنیا، شماره ۲، سال ۱۳۴۵